

**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**



دانشگاه تهران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

گروه مطالعات منطقه ای

## اسلام گرایی و دولت در تاجیکستان:

تجربه نهضت اسلامی تاجیکستان

استاد راهنما: دکتر جهانگیر کرمی

استاد مشاور دکتر احمد دوست محمدی

نگارش: محبوبه محمودی عالمی

پاییز ۱۳۹۰

با حمد و ثنای بزرگ پروردگار هستی

و با درود بر محمد (ص) و خاندان مطهرش

این نوشتار را که حاصل زحمات یکساله ایم می باشد را به

دو ققنوس هستی بخش زندگی ام **پدر** مهربان و **مادر** دلسوزم،

همسرم و والدین گرامی اش و برادر عزیزم که همواره حامی ام است تقدیم می نمایم...

## فهرست مطالب

۵-۱۳	..... فصل اول - ساختار پژوهش
۶	..... ۱- بیان مسئله
۸	..... ۲- پرسش های اصلی و فرعی
۸	..... ۳- پیشینه پژوهش
۱۰	..... ۴- اهداف پژوهش
۱۱	..... ۵- فرضیه پژوهش
۱۱	..... ۶- روش بررسی فرضیه
۱۲	..... ۷- سرفصل ها
۱۴-۴۲	..... فصل دوم: چارچوب نظری
۱۵	..... ۱- رابطه دین و دولت
۱۶	..... الف) رابطه دین و دولت در غرب
۱۷	..... ب) رابطه دین و دولت در اسلام
۱۸	..... ۲- عرفی گرایی
۱۸	..... الف) تعریف عرفی گرایی
۲۰	..... ب) دلایل پیدایی و پایایی عرفی گرایی
۲۲	..... ج) اصول و بنیان های عرفی گرایی
۲۵	..... ۳- اصول گرایی

۲۵	..... (الف) مفهوم و ویژه گی ها اصول گرای
۲۸	..... (ب) عوامل و ریشه های اصول گرای
۲۹	..... (ج) ماهیت و محتوای اصول گرای
۳۵	..... ۴- دولت دینی و دولت عرفی گرا
۳۷	..... (الف) حزب دینی و دولت عرفی گرا
۴۳-۷۲	..... فصل سوم : بحران سیاسی و نظامی در جمهوری تاجیکستان
۴۴	..... ۱- وضعیت عمومی
۴۵	..... (الف) تاریخ
۴۷	..... (ب) وضعیت جغرافیایی
۴۸	..... (ج) وضعیت دینی
۵۵	..... ۲- جنگ داخلی (۱۹۹۷-۱۹۹۲)
۵۷	..... (الف) دلایل جنگ داخلی
۶۰	..... ۳- توافق صلح
۶۰	..... (الف) تلاش ها برای خاتمه جنگ
۶۲	..... (ب) گفتگوهای صلح
۶۵	..... (ج) اجرای توافقنامه صلح (۱۹۹۷-۲۰۰۰)
۶۸	..... ۴- تاجیکستان امروز (۲۰۰۰-۲۰۱۱)
۶۸	..... (الف) وضعیت سیاسی ، اجتماعی و مذهبی
۷۱	..... (ب) وضعیت اقتصادی

۷۳-۹۴	.....	<b>فصل چهارم : حزب نهضت اسلامی تاجیکستان</b>
۷۴	.....	۱- تاریخچه شکل گیری
۸۰	.....	۲- ساختار و تشکیلات
۸۴	.....	۳- اهداف ، برنامه ها و روش ها.....
۹۵-۱۱۸	.....	<b>فصل پنجم : رابطه دولت و حزب نهضت اسلامی تاجیکستان</b>
۹۷	.....	۱- تلاش ها برای تغییر دولت در جنگ داخلی
۱۰۳	.....	۲- حضور در کنار دولت (دوره صلح)
۱۰۹	.....	۳- وضعیت کنونی (۲۰۱۱-۲۰۰۱)
۱۱۹-۱۳۴	.....	<b>فصل ششم : پیامدهای رابطه حزب و دولت</b>
۱۲۰	.....	۱- پیامدها برای جامعه
۱۲۲	.....	۲- پیامدها برای دولت
۱۲۹	.....	۳- پیامدها برای حزب
۱۳۵	.....	<b>نتایج ، یافته ها و راهکارها.....</b>
۱۴۲	.....	<b>فهرست منابع</b>

## چکیده

پس از فروپاشی شوروی و استقلال جمهوری های آن، در تاجیکستان حزب اسلام گرای نهضت اسلامی که تا پیش از این به صورت غیررسمی در حیات سیاسی این کشور حضور داشت، یکی از مدعیان کسب قدرت شد. این سهم خواهی از قدرت و عدم توجه نخبگان حاکم کمونیست موجب شد تا این کشور وارد یک جنگ داخلی پنج ساله شود. حزب در این زمان در مقابل دولت قرار گرفت و با مبارزه مسلحانه برای حذف دولت تلاش کرد. این جنگ پیامدهای زیادی را برای طرفین به همراه داشت. پس از آن رابطه ی حزب نهضت و دولت وارد مرحله ی جدیدی شد، حزب توانست به عنوان تنها حزب اسلامی منطقه ی آسیای مرکزی به صورت رسمی به فعالیت پردازد، در صحنه ی سیاسی و اجتماعی تاجیکستان حضور داشته باشد و با وجود همه محدودیت ها و مشکلاتی که دولت برای فعالیت حزب به وجود می آورد به مهم ترین جایگزین دولت فعلی تبدیل شود.

این پژوهش در نظر دارد تا تاثیر اسلام گرایی حزب نهضت را در رابطه اش با دولت از پس از استقلال با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و در چارچوب نظریه های رابطه ی دین و دولت (عرفی گرایی و بنیاد گرایی) مورد بررسی قرار دهد.

واژگان کلیدی: تاجیکستان، حزب نهضت اسلامی، عرفی گرایی، اصول گرایی.

## فصل اول

### ساختار پژوهش



## ۱- بیان مسئله

در ۹ سپتامبر ۱۹۹۱ جمهوری تاجیکستان به استقلال رسید و به عنوان کشوری جدید وارد عرصه روابط بین الملل شد. تاجیکستان کشوری است کوهستانی، با ۸۰ درصد اقلیت تاجیک و ۱۵ درصد ازبک، ۵ درصد سایر اقوام و بیش از ۹۰ درصد مسلمان سنی مذهب این کشور در زمان استقلالش ضعیف ترین جمهوری اتحاد جماهیر شوروی محسوب می شد. بعد از استقلال برگزیدگان محلی، قومی و منطقه ای این جمهوری به عنوان یک گروه کوچک اعمال کننده قدرت که از خجند و از درون حزب کمونیست پیا خاسته بودند، تمام قدرت را در اختیار گرفتند و از تقسیم آن با گروه های اسلامی، ملی و دموکرات سرباز زدند. در نتیجه حاملان اندیشه های جدید و هواداران آن ها با وارثان نظام قدیم به رویارویی سیاسی جدی کشیده شدند.

روند شکل گیری حزب نهضت اسلامی تاجیکستان را باید بخشی از روند احیای تفکر و سنت های اسلامی در آسیای مرکزی و تاجیکستان در اوایل ۱۹۹۰ دانست. به دنبال آزادی های شکل گرفته در روند پروستریکا در نیمه های سال ۱۹۹۰ در اتحاد شوروی حزب احیای اسلامی به عنوان حزب سراسری تاسیس گردید، پس از استقلال تصمیم اعضای تاجیکی حزب سراسری احیای اسلامی شوروی به تشکیل حزب احیای اسلامی در تاجیکستان با مخالفت شدید حکومت وقت تاجیکستان روبرو شد و در قانون آزادی وجدان دین به طور رسمی این تغییر وارد شد که سازماندهی احزاب سیاسی دارای تفکرات و عقاید دینی در تاجیکستان ممنوع است.

به دنبال شکست کودتای ۱۹ تا ۲۱ اوت کمونیست ها علیه گورباچف در شوروی نیروهای طرفدار اصلاحات در تاجیکستان علیه حکومت این کشور دست به فعالیت شدیدی زدند، قهار محکم اف رئیس جمهور وقت تاجیکستان را وادار به کناره گیری کردند و سرانجام در پی تظاهرات و اجتماعات گسترده طرفداران اصلاحات حکومت، حکومت در ۱۷ اکتبر ۱۹۹۱ مجبور به موافقت با فعالیت رسمی حزب شد. انتخابات جدید ریاست جمهوری در ۲۴ نوامبر ۱۹۹۱ برگزار شد و رحمان نبی اف کاندیدای کمونیست برنده انتخابات شد که با مخالفت اصلاح طلبان روبرو شد، آنان دولت را به تقلب در انتخابات محکوم کردند. این امر منجر به تظاهرات مخالفان و درگیری مسلحانه شد که با دخالت نیروی نظامی روسیه بین طرفین درگیر میانجیگری شد و حکومت آشتی ملی با شرکت نیروهای مخالف تشکیل شد. عثمان معاون حزب نهضت اسلامی به عنوان معاون نخست وزیر تاجیکستان شد.

به دنبال مخالفت با دولت آشتی ملی درگیری ها آغاز شد و شعله جنگ داخلی در تاجیکستان روشن شد، دولت آشتی ملی سقوط کرد، امامعلی رحمانف قدرت را به دست گرفت. تحولات تاجیکستان مسیر تازه ای به خود گرفت، جنگ و کشتار

در سراسر کشور حاکم شد. تمام نیروهای حزبی و غیر حزبی مسلمان زیر پرچم یک سازمان جدید یعنی حرکت نهضت اسلامی تاجیکستان گرد آمدند و مبارزه های مسلحانه خود را از طریق خاک افغانستان علیه دولت تاجیکستان آغاز کردند. این جنگ خسارت های زیادی را برای کشور تاجیکستان به بار آورد و اقتصاد آن را به ورطه نابودی کشاند. ۵ سال جنگ بی حاصل دو طرف را به این نتیجه رساند که راه حل مسائل سیاسی از راه نظامی نیست و باید به پشت میز گفتگو بنشینند. البته در این راه سازمان ملل، روسیه و ایران تلاش های زیادی را به انجام رساندند. گفتگوهای صلح بین دولت و مخالفان در آوریل ۱۹۹۴ در مسکو آغاز گردید و حزب در هر سه دوره جنگ، گفتگوهای صلح و دوران اجرای موافقت نامه صلح به عنوان نیروی اصلی و تعیین کننده اتحادیه نیروهای مخالف تاجیکستان محسوب می گردید. گفتگوهای صلح در ۲۷ ژوئن ۱۹۹۷ به پایان رسید. با توافق نهایی صلح برای اولین بار در آسیای مرکزی یک حکومت ائتلافی متشکل از دو جناح متخاصم که به طور رسمی شامل یک حزب اسلام گرا می شد تاسیس گشت. اما دولت تاجیکستان به بهانه مبارزه با افراط گرایی عرصه را بر نیروهای و جریان های مذهبی تنگ تر می کند و بدین وسیله دایره مخالفان خود را وسیع ترمی کند. مقامات این کشور با استفاده از هر فرصتی بראقدام های اسلام ستیزانه خود می افزاید و هدف خود را از تشدید تقابل با اسلام گرایی را مبارزه با روندهای بی ثبات ساز کشور اعلام می کنند.

دولت تاجیکستان در مارس ۲۰۰۹ قانون مذهبی جدیدی را به اجرا گذاشت که به دلیل محدودیت آفرینی بسیارش برای گروه های مذهبی انتقاد بسیاری از مخالفان دولت را به همراه داشت. این قانون به دولت اجازه می داد که کنترل سختگیرانه تری را بر روی گروه های مذهبی این کشور وضع کند به گونه ای که فقط نسخه تائید شده دولت از اسلام قانونی تلقی می شود. اگرچه قانون محدودیت های مذهبی نسبت به همه ادیان و مذاهب وضع شده است با این حال نسبت به اسلام با شدت بیشتری اجرا می شود. دولت با وضع قوانینی نظیر، ممنوعیت حجاب در مدارس، ممنوعیت ورود نوجوانان و جوانان زیر ۱۸ سال به مساجد، ایجاد محدودیت در سن سفر به حج، بستن مساجد به بهانه ی عدم ثبت رسمی، بازگرداندن دانشجویانی که برای تحصیل علوم دینی به خارج از کشور رفته اند، و غیره به زعم خود به دنبال کنترل جامعه ی مذهبی کشور است. در حالی که می تواند با ارائه اسلام واقعی و برنامه ی مدون مانع فعالیت و موفقیت احزاب افراطی که در منطقه فعال هستند بشود.

حزب نهضت اسلامی در تاجیکستان فعالیت می کند اما با محدودیت هایی از سوی دولت مواجه است، فشار مستقیم و غیر مستقیم دولت بر حزب نهضت اسلامی و طرفدارانش به دلیل نفوذ رو به افزایش این حزب در جامعه است. در انتخابات فوریه ۲۰۱۰ رئیس و معاون حزب نهضت اسلامی به مجلس نمایندگان راه یافتند. هر چند آنان دولت را به تقلب در انتخابات

متهم کردند، اما به نظر کارشناسان حزب در این انتخابات موفقیت بزرگی را کسب کرده است و آن این است که حزب به عنوان دومین نیروی تاثیرگذار بعد از حزب حاکم شناخته شد و این امر گامی رو به جلو برای نهضت به شمار می آید.

## ۲- پرسش های اصلی و فرعی پژوهش

در این پژوهش ما پرسشی را به عنوان سوال اصلی و چهار پرسش دیگر را به عنوان سوال های فرعی پژوهش قرار دادیم که در فصول آتی این پژوهش در پی پاسخگویی به این سوالات اصلی و فرعی خواهیم آمد. آنچه به عنوان **سوال اصلی** در این پایان نامه مدنظر است این است که: نهضت اسلامی تاجیکستان از پس از استقلال چه رابطه ای با دولت داشته است و این رابطه چه پیامدهایی را برای دو طرف داشته است؟

پرسش های فرعی پژوهش شامل سوالات زیر می شوند:

الف) چه اشکال و ترتیباتی از رابطه دین و سیاست در عرصه اندیشه ای و نظری قابل تصور است؟

ب) کشور تاجیکستان از پس از استقلال تاکنون چه تحولات و بحران هایی را پشت سر گذارده است؟

ج) حزب نهضت اسلامی تاجیکستان دارای چه اصول، اهداف و برنامه هایی برای حضور در سیاست بوده است؟

د) تاجیکستان امروز به لحاظ رابطه دین و سیاست با چه مسائلی روبرو است؟

## ۳- پیشینه پژوهش

در بحث پیشینه ی پژوهش با وجود استفاده از کتب و مقاله های متعدد فارسی و لاتین در زیر چند کتاب به فارسی و انگلیسی که مورد استفاده ی بیشتری برای نگارنده داشته است ذکر می شود. در موضوع شناخت عوامل و ریشه های شکل گیری نهضت اسلامی، ساختار ابتدایی و برنامه ها و اهداف آن می توان کتاب « **اسلام و نهضت اسلامی در تاجیکستان** » نوشته شمس الحق نور را نام برد، که به توضیح در مورد نحوه ی شکل گیری و فعالیت حزب از دوره شوروی تا اواخر دوره جنگ داخلی می پردازد. این کتاب تاریخچه اسلام، احیای مجدد اسلام در تاجیکستان به ویژه در دوره ی اصلاحات سیاسی گورباچف را شرح می دهد. در بخش دوم به توضیح درباره نحوه ی شکل گیری حزب نهضت اسلامی می پردازد و برنامه ها و اهداف آغازین حزب را مطرح می کند. بخش سوم آن که «نهضت اسلامی به عنوان حرکت رسمی مقاومت مسلمانان تاجیکستان» نام دارد به نحوه ی فعالیت، ساختار و اهداف حزب در دوره ی جنگ داخلی می پردازد. نور این کتاب را با این عنوان که «چرا نهضت اسلامی تاجیکستان به مذاکره می رود؟» را به پایان می رساند و ذکر می کند که چرا حزب نهضت گفتگوهای صلح را می پذیرد.

اثر دیگری که به بررسی حزب نهضت اسلامی در زمان نزدیکتر یعنی دهه ۱۹۹۰ می پردازد، کتاب «**نهضت اسلامی تاجیکستان در دهه ی ۱۹۹۰**» نوشته برات شمسا، محقق و استاد دانشگاه و کارشناس مسائل تاجیکستان است، که به بررسی برنامه های حزب به ویژه پس از جنگ و موافقتنامه صلح می پردازد. شمسا در این کتاب در پنج فصل مباحث خود را مطرح می کند. او ابتدا زمینه های شکل گیری حزب را می نویسد. در فصل دوم ساختار آن که شامل ساختار سیاسی، فرهنگی، اقتصادی می شود، در فصل سوم کتابش دیدگاه های داخلی و خارجی حزب در مورد دولت و کشورهای مختلف را شرح می دهد. در فصل چهارم فعالیت ها و نقاط قوت و ضعف حزب را ارزیابی می کند علت جدا شدن احزاب دیگر و افراد برجسته از این نهضت را توضیح می دهد و در نهایت کتاب خود را در فصل پنجم با عنوان «نقش حزب در مذاکرات صلح تاجیکستان» به پایان می برد. در مجموع شمسا تحلیل خود را از دلایل ضعف و عقب نشینی حزب در مراحل مختلف جنگ، صلح و پس از صلح را شرح می دهد، توانایی بالقوه حزب در کسب قدرت در آینده را نیز مطرح می سازد.

از لنا جانسون<sup>۱</sup> نیز کتابی با عنوان «**تاجیکستان در آسیای مرکزی جدید**»<sup>۲</sup> در سال ۲۰۰۹ به زبان انگلیسی منتشر شده است. او در این کتاب ابتدا وضعیت عمومی کشور تاجیکستان از لحاظ جغرافیایی، اجتماعی و سیاسی را شرح می دهد، سپس در مورد فعالیت اسلام گرایان و نقش شان در روند تحولات کشور استدلال خود را عنوان می کند. نحوه ی آغاز جنگ داخلی، دلایل آن و نقش حزب نهضت اسلامی در این تحولات را نیز شرح می دهد. کتاب دیگری نیز به زبان انگلیسی در این باره در سال ۲۰۰۹ توسط پتر لاینک و ویتالی نامکین<sup>۳</sup> با عنوان «**سالهای تغییر در آسیای مرکزی**»<sup>۴</sup> درباره ی کشورهای آسیای مرکزی در پنج فصل نوشته شده است در یکی از بخش های فصل سوم به توضیح رژیم سیاسی، طایفه ها و نقش شان در ساختار قدرت، امنیت اجتماعی، الگوی رفتار سیاسی جمهوری تاجیکستان می پردازند. در فصل چهارم زیر عنوان «اسلام افراطی در آسیای مرکزی» به همراه بررسی دیگر جنبش های اسلامی در منطقه، تحول حزب نهضت اسلامی در سال های پس از صلح نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

احمد رشید نیز در دو فصل از کتاب خود به نام «**جهاد: اسلام پیکار جو در آسیای مرکزی**» ابتدا به تشریح وضعیت تاجیکستان پس از استقلال به ویژه در زمان جنگ داخلی، عوامل مداخله کننده در آن، میزان خسارات و پیامدهای این جنگ برای جامعه تاجیکستان پرداخته و سپس در یکی دیگر از فصول این کتاب در مورد حزب نهضت اسلامی به عنوان

---

1- Lena janson(2009)

2-Tajikistan in new central asia

3- Peter Linke & Vitaly Naumkin

4- The years that changed central asia

یکی از سه جنبش اسلامی موجود در آسیای مرکزی یعنی حزب التحریر اسلامی و جنبش اسلامی توضیح داده است. این کتاب در سال ۱۳۸۷ با ترجمه جمال آرام به فارسی منتشر شده است. در شناخت کشور تاجیکستان نیز از **کتاب سبز وزارت امور خارجه** که در سال ۱۳۸۹ تجدید چاپ شده است بهره گیری شده است که ابتدا در مورد آسیای مرکزی به صورت کلی مطالبی آمده است، سپس به معرفی ابعاد مختلف جغرافیایی، سیاسی، اجتماعی، مذهبی، تاریخی و اقتصادی پرداخته شده و درباره ی مهم ترین نهادها و موسسه های دولتی و علمی نیز توضیح هایی ارائه شده است که ما را در شناخت کشور تاجیکستان یاری رساند. در این کتاب که به همت دفتر چاپ و نشر وزات امور خارجه به چاپ رسیده است درباره ی احزاب و گروه های سیاسی فعال در این کشور و اهداف آنان نیز مطالبی آورده شده است. در بحث چارچوب نظری از آنجایی که رابطه دین و سیاست از مباحث مورد توجه اندیشمندان دینی و سیاسی کشور ما (به دلیل نوع حکومت مبتنی بر اصول اسلامی) است، کتب و مقاله های متعددی در این زمینه منتشر شده است که به توضیح و نقد خواستگاه، اصول، مبانی و اهداف عرفی گرای و اصول گرایی پرداخته اند. به ویژه مقالات متعددی در این زمینه ها توسط اساتید برجسته دانشگاه در فصلنامه ی معتبر علوم سیاسی در شماره های مختلف آن به چاپ رسیده است.

#### ۴-اهداف پژوهش

به طور کلی در این پژوهش هدف را شناخت و تبیین مبانی اصول عرفی گرای که ساختار قانونی دولت است و اصول گرای که الگوی مدنظر حزب نهضت است قرار دادیم، شناخت و فهم ویژه گی های کلی دولت تاجیکستان به ویژه پس از استقلال تاکنون، شناخت و درک اصول، مبانی، برنامه ها، فعالیت ها و اهداف حزب نهضت اسلامی، بررسی حاصل عملکردها و سیاست های دولت بر نهضت اسلامی و بالعکس، تاثیر رابطه دولت و حزب بر زندگی سیاسی و اجتماعی مردم نیز از جمله اهداف دیگر این پژوهش است. هدف کلی پژوهش مان بررسی تاثیر رابطه ی حزب نهضت اسلامی و دولت تاجیکستان بر سه عنصر دولت، حزب و جامعه است. دستیابی به این اهداف، نیازمند شناخت و تحلیل دو عامل و یا دو بازیگر در کشور تاجیکستان می باشد. در یکسو اسلام گرای و رفتار حزب نهضت، به عنوان متغیر وابسته قرار می گیرد، و در سوی دیگر آن رابطه حزب و دولت به عنوان متغیر مستقل قرار می گیرد، که می بایست چگونگی تاثیر گذاری اش بر روی سه عنصر دولت، حزب و جامعه مورد بررسی قرار گیرد. به عبارت دیگر این نوشتار به این مسئله می پردازد که چگونه اسلام گرای حزب نهضت اسلامی بر رابطه اش با دولت در جامعه تاجیکستان تاثیر خواهد گذاشت. بدین منظور ابتدا نگاهی کلی به کشور تاجیکستان به عنوان یکی از عوامل پژوهش می اندازیم و سپس به بررسی حزب نهضت اسلامی تاجیکستان می پردازیم. آنگاه رابطه ی این دو را در سه دوره از تاریخ تاجیکستان پس از استقلال (دوره جنگ

داخلی، دوره صلح و اجرای موافقتنامه صلح و زمان حاضر) مورد بررسی قرار خواهیم داد و در نهایت پیامدهای این رابطه را بر سه عنصر دولت، حزب و جامعه تاجیکستان عنوان خواهیم کرد.

## ۵- فرضیه های پژوهش

در این پژوهش دو فرضیه را عنوان کردیم که یکی به عنوان فرضیه اصلی (الف) و دیگری به عنوان فرضیه فرعی (ب) ما مدنظر است.

فرضیه الف: نهضت اسلامی تاجیکستان به طور رسمی بخشی از دولت تاجیکستان شده و به عنوان یک حزب اسلامی فعالیت دارد، اما به ویژه در سال های اخیر از طرف دولت با محدودیت های اساسی مواجه شده است.

فرضیه ب: فعالیت رسمی حزب نهضت اسلامی تاجیکستان توانسته است با توجه به مشکلات و نا کارآمدی های دولت، ضمن بقای حزب، آن را به مهم ترین جایگزین حکومت فعلی تبدیل کند.

## ۶- روش بررسی فرضیه :

در این تحقیق با بهره گیری از منابع کتابخانه ای، استفاده از گزارش های پژوهشی، مقالات راهبردی، سایت های معتبر و اخبار و مقالات معتبر منتشر شده توسط خبرگزاری ها و سایت های تخصصی مربوط به منطقه نظیر سایت تخصصی ایران شرقی و سایت موسسه مطالعاتی ایراس ابتدا به جمع آوری اطلاعات و اخبار در مورد کشور تاجیکستان (تاریخ، موقعیت جغرافیایی، وضعیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آن)، حزب نهضت اسلامی تاجیکستان (تاریخچه شکل گیری، ساختار و اهداف و برنامه ها)، رابطه حزب و دولت، می پردازیم و در فصل پایانی با استفاده از اطلاعات جمع آوری شده تحلیل آن در غالب پیامدهای رابطه حزب و دولت مطرح خواهد شد. بنابراین این طرح با هدف توصیف و تحلیل موضوع پژوهش و روش تحلیل رویدادها و آزمون فرضیه پژوهش و نتیجه گیری پرداخته و در نهایت به ارائه راهکارهایی برای ادامه پژوهش در این زمینه می پردازد. چارچوب نظری این پژوهش براساس دو نظریه در مورد رابطه دین و دولت و دین و سیاست تحت عنوان عرفی گرایی و اصول گرایی اسلامی مطرح می شود. عرفی گرایی نظریه است که پیدایش و نشو و نما آن در فرهنگ غرب صورت گرفته است. صاحب نظران معتقداند که برای ارائه عوامل عام پیدایش و پایایی عرفی گرایی باید به پیوند این ایدئولوژی با سلسله اصول و ارزش های پذیرفته شده در فرهنگ غرب مانند اومانیزم و خدا انگاری انسان، عقل گرایی، علم گرایی و علم زدگی و لیبرالیسم اشاره کرد، زیرا هر یک از آن ها زیر ساخت و ریشه ی این مرام و دیگر عوامل رو ساخت و رویه ی آن به شمار می روند. اصول گرایی نیز نظریه است که بنیانگذار خاصی ندارد و یکی از مفاهیمی است که در اوایل قرن ۲۰ در ادبیات دین پژوهی و سیاسی به کار گرفته شده است، اما مفهوم خاص اصول

گرایی با فروپاشی نظام کمونیستی شوروی و به ویژه پس از حملات ۱۱ سپتامبر در سال ۲۰۰۱ با آمریکا سرعت فراوانی یافت. اصول گرایان، عرفی گرایی را نوعی تهاجم فکری و غربی می دانند که نتیجه ی تاثیر فرهنگ غرب و غلبه اروپا بر جهان به ویژه دنیای اسلام در دوره ضعف و عقب ماندگی آن ها بود. سعی ما بر این است که با طرح این چارچوب نظری در نهایت ویژگی های دولت عرفی گرا و اصول گرا را نیز مطرح کنیم و مورد ترکیه را نیز مورد بررسی قرار دهیم و ببینیم که چگونه احزاب اسلام گرا در ترکیه توانستند در چارچوب دولت عرفی گرا فعالیت کنند و در نهایت به قدرت برسند. بحث مفصل پیرامون این دو نظریه که چارچوب نظری این پژوهش می باشد در فصل آینده خواهد آمد.

## ۷- سرفصل ها

این پژوهش در شش فصل نگاشته خواهد شد که در اینجا سرفصل های کلی آن توضیح داده می شود تا تصویر کلی در ذهن خواننده ی این پژوهش از آنچه که در صفحه های آتی با آن روبرو خواهد شد شکل بگیرد. فصل نخست این پژوهش شامل ساختار کلی پژوهش می شود که در آن ابتدا طرح مسئله شده است. سپس سوالات اصلی و فرعی، پیشینه، فرضیه ها و اهداف پژوهش ذکر شده است و در نهایت روش های بررسی فرضیه مطرح شده است.

در فصل دوم چارچوب نظری پژوهش در غالب رابطه ی دین و دولت حول محور دو نظریه ی برجسته در این رابطه با عنوان عرفی گرایی و اصول گرایی که تفسیر حداقلی و حداکثری را از رابطه ی دین و دولت را ارائه می دهند و اولی مدنظر دولت تاجیکستان، دومی مورد توجه حزب نهضت اسلامی تاجیکستان است ذکر می شود. ابتدا انواع رابطه دین و دولت و نمونه هایش در اسلام و غرب مورد بررسی قرار خواهد گرفت. سپس به تعریف دو مفهوم عرفی گرایی و اصول گرایی، دلایل پیدایی و پایایی آن ها و اصول ومبانی شان پرداخته خواهد شد، و در نهایت مدل ترکیه که در آن احزاب اسلام گرا در غالب دولت های عرفی گرا به فعالیت پرداختند و توانستند به اریکه ی قدرت برسند مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در فصل سوم وضعیت کشور تاجیکستان از پس از استقلال تا حال، ویژه گی های جغرافیایی، تاریخی و وضعیت دینی آن ذکر می شود. بحران بزرگی که این کشور را در بر گرفت، آغاز، دلایل و نحوه ی حل این بحران، وضعیت پس از صلح این کشور تا زمان کنونی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در فصل چهارم یکی دیگر از مولفه های این پژوهش یعنی حزب نهضت اسلامی، تاریخچه ی شکل گیری آن از پیش از استقلال و نحوه ی فعالیتش پس از استقلال، در زمان جنگ، صلح و اجرای آن و در زمان کنونی خواهد آمد. در بخش دوم این فصل ساختار وتشکیلات حزب در زمان شکل گیری، تغییرهای آن در زمان جنگ داخلی و ساختار کنونی آن ارائه می شود. در بخش پایانی این فصل اصول، برنامه ها، اهداف و روش های مورد پیگیری نهضت در دوره های زمانی مختلف و در دوران ریاست نوری و پس از آن دوره ریاست کبیری گرد آوری خواهد شد. در فصل پنجم رابطه ی حزب نهضت اسلامی و دولت تاجیکستان در سه دوره ی زمانی پس از استقلال و جنگ

داخلی که حزب در مقابل دولت قرار گرفت ، دوره ی صلح و اجرای توافق صلح که حزب در کنار دولت قرار گرفت و دوره ی کنونی که حزب حضور مسالمت آمیز در جامعه دارد، طرح خواهد شد.

در فصل ششم پیامدهای رابطه ی دولت و حزب نهضت اسلامی برای سه عامل جامعه ،دولت و حزب توضیح داده خواهد شد.عنوان می شود که چگونه جامعه از قِبَل رابطه حزب و دولت پس از یک دوره خشونت به آرامش در جامعه رسید ، دولت با حل مشکلات خود با حزب فرصت برای دولت -ملت سازی می یابد و حزب نیز به دور از تنش با دولت به عنوان تنها حزب اسلام گرای منطقه به صورت قانونی فعالیت می کند و به مهم ترین جایگزین برای دولت فعلی تبدیل می شود.در پایان پژوهش نتیجه گیری نهایی به همراه چشم انداز آینده دولت و حزب عنوان می شود و در نهایت راهکارهایی به دولت و حزب پیشنهاد می شود. در نهایت این پژوهش با ارائه فهرست منابع پایان خواهد گرفت که منابع فارسی به دو بخش کتب و مقاله ها و لاتین نیز به همین صورت ، و نیز مطالب جمع آوری شده از سایت ها و اخبار مربوط به خبرگزاری های مختلف از هم جدا می شوند.

## فصل دوم



# چارچوب نظری

## مقدمه

در مورد رابطه دین و دولت می توان سه وضعیت مثالی را در نظر گرفت که هر یک در عالم واقعیت نیز نمونه های عینی و مشخصی را در جهان کنونی دارا هستند. وضعیت نخست، دولت های عرفی گرای هستند که میان دین و دولت و دین و سیاست قائل به جدایی کامل می باشند. وضعیت دوم، اصول گرایی دینی است که قایل به یگانگی دین و دولت است و هدف خود را دستیابی به قدرت و ارکان دولت می داند. اما وضعیت سوم نیز هست که به طور عمده خاص جوامع سنی

است و آن نوعی ارتباط و تعامل میان دین و دولت است، اما لزوماً این تعامل به تسخیر و تصرف دولت توسط احزاب دینی و دینی کردن کامل سیاست نمی انجامد که می توان از نمونه ترکیه یاد کرد. در این فصل، ما با هدف تمهید مقدماتی نظری برای تحلیل ژرف تر رابطه حزب نهضت اسلامی تاجیکستان و دولت این کشور، به بررسی این سه وضعیت پرداخته ایم.

## ۱- رابطه دین و دولت

موضوع رابطه دین و سیاست از مباحث اساسی و مهمی است که به ویژه در دنیای مسیحیت و اسلام سابقه طولانی دارد. (کمالی اردکانی، ۱۳۸۶: ۹) مذاهب بزرگ دنیا به یک اندازه دارای داعیه سیاسی نبوده اند. البته آموزش های همه ادیان کم و بیش معطوف به تنظیم زندگی اجتماعی بوده و از آنجا که تا قبل از قرون جدید میان حوزه اجتماعی و سیاسی جدایی روشنی وجود نداشته آموزش های نامبرده بر کل زندگی اجتماعی و سیاسی اعمال می گردید. (بشیریه، ۱۳۷۴: ۲۳۹) بشر در طول تاریخ و در سراسر عالم، دینی بوده است. هیچ فرد و اجتماعی را نمی توان یافت که حیاتی بدون تجربه دینی و تاریخی بدون اله را سپری کرده باشد. حضور فراگیر دین در طول تاریخ و در پهنای جغرافیا باعث گردیده که بسیاری از دین شناسان و دین باوران بر فطری بودن آن تاکید نموده و اذغان نمایند که نهاد بشر با دین سرشته است. (الیاده، ۱۳۷۰: ۱۲۲)

در اساس دین با دنیا عجین است و تنها در جامعه تجلی می یابد در حالی که بدان رنگ خاصی می زند از آن تاثیر هم می پذیرد. غیر از رابطه تاثیر و تاثر میان دین و جامعه نسبت دیگری نیز میانشان برقرار است که فراتر از رابطه تاثیر گذاری، بر نوعی نیاز و تدارک متقابل استوار است. تاریخ گذشته، حتی در اروپای پس از رنسانس، کمتر شاهد مقابله ای عریان و رودرو میان دین و دولت بوده است. آنچه رخ داده و عموماً از آن نزاع میان دین و دولت تعبیر می شود به نوعی یا کشمکش سیاستمداران دینی برای تصاحب قدرت بوده و یا جدال و رقابت میان موالیان مذاهب معارض به منظور تاثیر گذاری بر اقتدار حاکم. دین و دولت به عنوان دو مقوله جمعی همواره در تعامل با یکدیگر بوده و دستاوردی را از یکسو درازای برآورده ساختن نیازی از سوی دیگر مبادله می کرده اند. (شجاعی زند، ۱۳۸۴: ۱)

## الف) رابطه دین و دولت در غرب :

دست کم از ابتدای قرن چهارم میلادی زمانیکه کنستانتین به ترویج مسیحیت به عنوان دین رسمی امپراطوری روم همت گماشت به بعد است که درباره ی مناسبات دین و دولت ادبیات گسترده ای فراهم آمد. (رابرتسون، ۱۳۷۹: ۱) کنستانتین بزرگ که نخست بت پرست بود به آیین مسیحیت گروید و به موجب فرمان میلان آن را مذهب رسمی امپراطوری خود قرار داد و حکومت آسمانی را با حکومت زمینی در آمیخت. (منوچهری، ۱۳۷۰: ۲۷) اما در سده شانزدهم بحران دین در

اروپا پدیدار گشت و تولد دولت مدرن روابط درونی بین دین و سیاست را دست کم در کشورهای اروپایی به طور گسترده دگرگون ساخت. از یک طرف با اصلاح پروتستانی اشکال دین زیور شد و با تداوم این اصلاح تاثیر این اشکال بر حیات سیاسی و اجتماعی به طور محسوس تغییر کرد، از طرف دیگر دولت های ملی گاه با نظارت بر دین و استفاده از آن به نفع خود می خواستند استقلال خود را نسبت به پاپ و کلیسای کاتولیک ابراز کنند. تغییرات پیش آمده در قلمرو سیاسی، اجتماعی و دینی در غرب از سده شانزدهم به روابط جدید بین سیاست و جامعه و یا دولت انجامید. (باریه، ۱۳۸۴: ۱۶)

اندیشه جدایی دین و دولت و دولت و کلیسا، در زمانی شکل و نیرو گرفت که میان دو قدرت حاکم، کلیسا و دولت یا پاپ که بر مردم سیطره مطلق داشتند، نیروی مردمی جدیدی آرام آرام در صحنه سیاسی پدید آمد. نیرویی که علی الاصول همان اندازه مخالف سیطره و سلطه کلیسا و اربابان دین بر تمام شئون زندگی مردم بود که علیه سلطنت مطلقه پادشاهان. در آن زمان، نظریه غالب در مشروعیت دولت، نزول قدرت از بالا بود. به همین دلیل یا علت، نظام های سیاسی در اکثر موارد توتالتر و استبدادی بودند. این نظریه بعدها با رشد قدرت کلیسا دقیق تر و روشن تر شد و در قرون وسطی به نظریه نزول قدرت از جانب خدا تبدیل گردید. قطع نظر از اشکال متنوع مناسبات دین و دولت در همه حال منشاء قدرت از بالا بود. پادشاه و روحانی یا پاپ هر دو مدعی مشروعیت قدرت خود از جانب خدا بودند. گاه با هم کنار می آمدند و گاه با هم می جنگیدند و در مواردی هم یکی تابع دیگری می شد. در این دوران صحبت بر سر دین و دولت نبود بلکه جنگ میان پادشاه و روحانی بود. در عصر جدید، این تفکر تقریباً از دست رفته است و قدرت به جای نزول از بالا از متن جامعه نشأت می گیرد و بالا می رود. به این ترتیب جدایی کامل دین و دولت و کلیسا و دولت در واقع محصول تحولات اجتماعی سیاسی و بروز اندیشه مردم سالاری است. در جوامع غربی بر اساس تجارب تاریخی، مردم علیه عملکرد کلیسا و اربابان دین قیام کردند و بدون آنکه ارزش های دینی خود را نفی کنند، کلیسا را از حق حکومت بر مردم ساقط نمودند. اما اینطور نیست که دولت و یا حکومت مبرا و منفک از دین بوده است. بسیاری از قوانین کنونی اروپا ریشه در ادیان یهودی و مسیحی دارند. (دین و حکومت، ۱۳۸۶: ۸۵-۸۴) سرانجام با قوام یافتن مبانی دولت ملی به تدریج موقعیت پاپ ها تضعیف شد. پیدایش دولت های ملی، زوال فتوالیسم، تفرقه در کلیسا، رفرماسیون و رشد اندیشه های نو یکی پس از دیگری به قدرت و حکومت پاپ های روم آسیب رساند. (بشیریه، ۱۳۷۴: ۲۳۱)

## ب) دین و دولت در اسلام:

این دعوی که اسلام سیاسی ترین جهان بینی توحیدی است از دعاهای قابل دفاعی است که کمتر مورد تشکیک واقع شده است. صفتی است که با ظهور آن متولد شده و در تمام دوران حیات پرفراز و نشیب اسلام با آن همراه و قرین بوده

است. حمید عنایت اسلام را برنامه جامعی برای تنظیم حیات انسانی می داند که سیاست ابزار لازم تحقق آن است او می گوید: «در دل و درون مسلمانان گرایش خاصی نسبت به سیاست نهفته است که مستقیماً از روح تعالیم اسلام نشات می گیرد.» (شجاعی زند، ۱۳۷۵: ۳) اسلام در مقایسه با دیگر ادیان تنها یک دین نیست بلکه نظامی دولتی نیز بوده و نظریه سیاسی و حقوقی آن به اشکال مختلف اجرا گردیده است. به عبارت بهتر اسلام از آغاز یک تئوکراسی بود. اسلام از آغاز هم جنبشی دینی و هم حرکتی سیاسی بود. مذهب اسلام در طی قرن بیستم در بسیاری از کشورها در واکنش به مدرنیته و لیبرالیسم غربی گرایش های سیاسی و ایدئولوژیکی پیدا کرده و بسیاری از موارد در غالب احزاب و جنبش های سیاسی به مرام و ایدئولوژی سیاسی تبدیل شده است. (بشیری، ۱۳۷۴: ۲۳۹-۲۴۳)

تاریخ بشر همواره دستخوش مطامع فرصت طلبان و تخیلات کوتاه فکران بوده است و به خصوص برخی به اصطلاح متولیان جاه طلب مذاهب و سیاستمداران سلطه جو در طول مبارزات خود بارها و بارها به هستی بشر لطمات جبران ناپذیری وارد ساخته اند. به هر تقدیر این مسئله همواره مورد نظر بوده و می باشد که آیا مذهب را از سیاست باید بدور داشت یا می بایست آندو را بهم آمیخت؟ گروهی بر آن بوده و هستند که چون سیاست در حقیقت اداره امور زندگی مردم و جوامع بشری است وانگهی آدمی بدون مذهب هم نمی تواند زندگی کند. لذا نباید عنصر مذهب را بکلی از سیاست به دور نگاه داشت بلکه ارتباط این دو عامل بایستی حفظ شود. گروهی پا را فراتر نهاده می گویند اساساً مذهب و سیاست بهم آمیخته اند و با کلیه شئون زندگانی بشر و یا جهان هستی مرز مشترک دارند پس باید آن دو را بهم آمیخت و حتی حکومت را به عمال مذهبی سپرد (در عالم اسلام چنین است). گروهی سومی هم هستند که در اصل مذهب را مخل و مضر به حال جامعه و آزادی طبیعی بشر می دانند و آن را یکباره کنار می نهند و بلکه به دور می افکنند. (منوچهری، ۱۳۷۰: ۱۱۰)

## ۲- عرفی گرایی

عرفی گرایی یکی از ویژگی های اساسی و سرنوشت ساز فرهنگ، تمدن و نظام های سیاسی جهان غرب دریکی دو سده گذشته بوده است و بازتاب های فراوانی در حیات سیاسی و اجتماعی این گونه نظام ها برجای گذاشته است و به اجمال باعث انزوای نقش مذهب و ختنی کردن حضور عینی آن در این عرصه ها شده است. (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵: ۳۸) این جریان بازتاب عکس العمل و اگراییانه برخی از گروه های روشن فکری در رویارویی بامظاهر خیره کننده فرهنگ و تمدن مدرن و تسلیم همه جانبه به آن، و در نتیجه صرف نظر کردن از مبانی و لوازم اعتقادات سنتی و دینی خود است. این جریان به ویژه با تاکید بر تجربه تاریخی غربی که از بطن تشکیلات دینی کلیسا، فرایند عرفی سازی شکل گرفت. در نهایت به شخصی فردی شدن دین و عدم دخالت آن در تحولات سیاسی و اجتماعی اعتقاد پیدا می کند، و قداست زدایی از دین و دنیوی کردن و در حاشیه قرار دادن آن نسبت به متن سیاست و اجتماع را مورد تاکید قرار می دهد، و سرانجام در مسیر دین زدایی